شاهد سوم؛ عدم انعکاس سؤال در روایات از احتیاط در دوران بین المحذورین شبهه اول شوال

(27:55)

موی‌دّ دیگری که می‌خواهم بیاورم این است: به نظر طلبگی من این موی‌دّ هم مهم است. اگر حرمت صوم اول شوال ثبوتی بود و مشترک بین عالم و جاهل بود، به این صورت نبود که این اواخر در کتابها بازتاب هایی در عمل داشته باشد. اگر این ارتکاز کل مسلمین از روز اول بود، در فقه و در روایات بازتاب پیدا می‌کرد. چطور؟ مثلاً در روایات خیلی هست که می‌فرمایند قول دو مرأة ای مطلق مرأة مقبول نیست. اگر پنج مرأة هم بیایند و شهادت بدهند که ما هلال اول شوال را دیدیم، در رؤیت هلال ترتیب اثر نمی‌دهیم. خب اگر این ارتکاز بود، اینجا جایش نبود که بگویند: شهادت زن را قبول نمی‌کنیم ولی احتیاط کنیم و به مسافرت برویم؟! بگردید و ببینید استصحاب شهر مبارک با حرمت ثبوتی تعارض کند؟ شهر را استصحاب می‌کنید و می‌گویید امروز که یوم واحد است و محل ابتلای من است، خودش دائر بین محذورین است. استصحاب برای من می‌تواند چه کار کند؟! و حال آنکه وقتی دوران بین محذورین می‌شود، روی ارتکازتان جانب وجوب را ترجیح می‌دهید یا حرمت را؟ در اصول هم بود. حرمت را ترجیح می‌دهید. خب از صدر اسلام تا به حال یک جا بیاورید که یک بازتابی داشته باشد و کسی بگوید ما شک کردیم و حال امروز ما مردد بین حرام و صوم واجب ماه مبارک است، لذا باید احتیاط کنیم و سفر برویم. بازتاب عملی آلآن را نمی‌گویم. بازتاب در تاریخ فقه و کتب و روایات را می‌گویم. اگر پیدا کنید من خیلی خوشحال می‌شوم.

شاگرد: توصیه عمومی به مسافرت معموالً محذوراتی دارد. لذا شارع نمی‌تواند به‌عنوان احتیاط بگوید به مسافرت بروید.

استاد: خب کسی سؤال کند. سوالش ضرر دارد؟! در یک روایت بگوید ای‌بن رسول الله کسی گفته و ثابت نشد، چون مردد بین واجب و حرام هستیم احتیاطا سفر برویم ای نه؟ چرا سوالش را نکرده‌اند؟

شاگرد: «صم للرویه» همین است. خودتان فرمودید که بناء عملی داشتند. لذا با وجود این روایت آن سؤال پیش نمی‌آید.

استاد: ببینید آیا تأکید روی «افطر للرویه» با احتمال حرمت ثبوتی متهافت نیست؟! اول شوال حرام است! کار نداشته باش و «افطر للرویه». یعنی استصحاب بر دوران بین محذورین آمده و جانب وجوبی را ترجیح می‌دهد که طبق قاعده نسبت به احتمال حرمت مرجوح است. پس بنابراین

خود نفس «افطر للرویه» متصادم است با احتمال حرمت ثبوتی صوم عید. اگر حرام بود که محکم می‌گفت به حرمت چه کار داری؟! خب باباً «اخوک دینک فاحتط لدینک». حرام است! نه، چه کار داری به این حرمت؟! «افطر للرویه». صبر کن. بالاترش؛ غروب روز سی ام برو استهلال کن. اگر دیدی، دیدی. اگر ندیدی «اصبح صائما». فردایش احتمال حرمت می‌دهم، چطور «اصبح صائما»؟! تمام این ادله که متشرعه هم هیچ مشکلی با آن‌ها ندارند، دال بر این است که نمی‌گوید علی ای‌ّتقدیر فردا من با محرّم ثبوتی مواجه هستم، اگر ارتکازشان این بود یک بازتابی در فقه داشت. من این بازتاب را می‌خواهم.

ولذا اگر این ارتکاز را تحلیل کنیم می‌بینیم این ارتکاز منشائی دارد، اگر منشائش این احتمال بود که خداوند متعال حرمت ثبوتی را مشترک بین عالم و جاهل آورده و تنها جاهل را عفو کرده، درجایی‌که در روز اول شوال اختلاف می‌شود، چطور محکم می‌گوید اعتناء نکن؟! متشرعه هم مشکلی نداشته باشند. الآن چند زن شهادت دادند، یک عدل واحد آمده و می‌گوید من هلال را دیدم، شما می‌گویید نه، باید دوتا باشند. چون یکی است «اصبح صائما»؛ واجب است فردا را روزه بگیری. اگر حرمت ثبوتی بود الآن مورد شبهه شد؛ شبهه بالفعل است. استصحاب هم از ناحیه صرف اماره ظنیه در آمد. الآن که عدل واحد خبر داد، استصحاب، اصل عملی محض می‌شود. شما می‌خواهید اصل عملی محض را غلبه بدهید بر عدل واحد که اخبار به رؤیت کرده؛ آن هم در مقابل حرمت ثبوتی امروز.

شاگرد: اگر این متغیر را به بحث اضافه کنیم که موردش موردی است که مظنه اختلاف در جامعه می‌شود، شارع یک بنائی داشته که این حکم، مدیریت امتثالش [محکم] کوبیده شود.

استاد: محکم کوبیده شدن مدیریت امتثال، با حرمت واقعیه ای که اقتضائی هست، وقتی تعارض پیدا کرد، چه کار می‌کنیم؟ برای جایی که فردی است، یک نفر نمی‌آید سؤال کند؟! شارع برای مدیریت جامعه فرمایش شما را دارد، سلّمنا. - حال همان را هم می رسیم- اما نباید به ذهن افراد متدین بیاید که من فردا احتیاط می‌کنم؟! حداقل یک سؤال کند. چرا این همه شنیدی که وقتی فردای روز سی ام شک داری، با دل جمع روزه بگیری؟! اگر با دل جمع روزه بگیرم مصادف با حرمت ثبوتی ام! چرا در یک جا نیامده؟! حداقل در طول تاریخ سؤال کند.

شاگرد: چون آن فرض است. حرمت صوم یوم العید سنت است فرض نیست. ولی وجوب صوم در قرآن آمده است. در تزاحم ملاکی اقوی است.

استاد: شما فرمایشتان را سر اثبات قضیه بردی. درحالی‌که بحث ما سر ثبوت بود.

شاگرد: در تزاحم ملاکی واضح است که فرض از سنت اقوی است.

استاد: الآن ما ثبوت را صاف کنیم، جلو می‌آییم. چرا حرمت ثبوتی برای صوم اول شوال می‌آید؟ چون مفسده ای در آن است که لازمه الترک است. این‌که دیگر سنت و فرض نمی‌شناسد. ثبوت است.

شاگرد: چه اشکال دارد در عالم ثبوت هم واجبات به فرض و سنت تقسیم می‌شوند.

استاد: بسیار خب، پس سنت در مانحن فیه کاشف است.

شاگرد: کاشف از این‌که قوت ملاک ندارد. قوت ملاکش به فریضه نمی‌رسد. «السنة لاتنقض الفریضه» می‌گوید در عالم ثبوت ملاکات فرائض بر ملاکات سنت اقوی است. چون صوم ماه مبارک رمضان در قرآن آمده بر متشرعه واضح بوده که ملاکش اقوی است. فردا هم محتمل است هم ماه رمضان باشد و هم یوم العید باشد.

استاد: بله در قرآن نیامده درست است ولی بازتابی که من عرض می‌کنم را چه می‌گویید؟ حرمت صوم عیدین که سنت است، طوری مورد اجماع قاطبه مسلمین است که اگر از آن‌ها بپرسید سنتش را نمی‌دانند و تنها حرمت را می‌دانند. چرا یک متشرعه...؟

شاگرد: معلوم است که صوم عموم دین است و از ارکان دین است. حرمت صوم یوم عید به آن اهمیت نیست. در ارتکاز متشرعه معلوم است که صوم ماه رمضان کجا و حرمت صوم یوم عید کجا؟ تفاوت بین این‌ها در ارتکاز متشرعه واضح است.

استاد: نزدشان حرمت ثابت هست یا نه؟

شاگرد: بله، ولی اقوائیت وجوب رمضان هم مطرح است.

استاد: بسیار خب، یک متشرعه نباید برای احتیاط یک بار سؤال کند؟!

شاگرد: شاید در روایت بوده و به ما نرسیده.

شاگرد۲: ارتکازش به نحوی باشد که صوم را کنار بگذارم، ایشان می‌فرماید چون اقوی است فضای امتثال طوری شده که آن را لحاظ کنند.

استاد: مالک اهمّ را حفظ بکن؛ شما مردد بین وجوب و حرمت هستید؛ شما که می‌گویید مالک صوم را بگیر، احتیاط را در ابتدای شهر چه می‌کنید؟ علامه احتیاط را در ابتدای شهر هم می‌گویند. چون فرض است، از علامه در ابتدای شهر هم می‌پذیرید؟ اتفاقا «صم للرویه» یعنی خلاف فرمایش شما. یعنی صوم خیلی مهم است. فرض الله هم هست. اما نه، تو استصحاب بکن. اگر ماه شعبان بود اهمیت صومی که فرض الله است، بر استصحاب غلبه نمی‌کند؛ «صم للرویه».

شاگرد: در افطار هم همین است.

استاد: نه، می‌خواهم عرض کنم اگر فرمایش ایشان بود که چون فرض است بر همه این‌ها غلبه می‌کند، با «صم للرویه و افطر للرویه» در ابتدای ماه تعارف پیدا می‌کند.

شاگرد: «الصوم فرض الله» که نباید با ظنی روزه گرفت. در فرض الله نباید ظنی باشد.

استاد: احسنت، در آخر ماه ظنی شد یا نشد؟ اول ماه نگیر، آخر ماه هم اختلاف شد. «افطر للرویه» یعنی دنبال یقین باشد. خب الآن من واقعاً شک دارم. یک عدل واحد آمده و گفته من دیدم. «لاتصم بالظنی» چون فرض الله است. این‌ها بحث‌های مهمی است. شاید بیست روز طول کشید. بحث کردیم بر سر این‌که واقعاً دلیل «صوم للرویه» از مصادیق استصحاب است. ذیل فرمایش حاج آقا بود. بحث‌های خیلی خوبی شد. عده‌ای آن را قبول نداشتند و دلیل «صم للرویه» را طور دیگری معنا می‌کردند. خیلی طول کشید بر سر این‌که این مصداق استصحاب هست یا نیست.

شاگرد: شما می‌فرمایید نقطه انطلاق در این‌ست که مفسده برای اولین یوم نیست.

استاد: بله، در ذهن من این‌طور است. این جور نیست که روزه گرفتن یک روز، اقتضاء طبیعی برای فساد لازم الترک داشته باشد.

شاگرد: عرض من نحوه طولی بود که در روایات می‌دی هم پیدا کردم. هم به طبیعت برده‌اند حال می نویسم و خدمتتان می دهم. روایت این‌ست: «ان الله عزوجل فرض للفطر و الاضحی الصلاة و لم یفرض الصیام و انما هی للصلاة».

استاد: «لم یفرض»، نه اینکه «حرّم».

شاگرد: اینکه طبیعت را می‌گوید به جهت مقارنتش با صلات است. بعید می‌دانم وجوب صلات هم متوقف بر علم باشد. این را یکسان می‌گیرد ولی حرمت را نمی‌گوید. یعنی در مقامات طولی گوید می‌گوید «انما هی للصلات».

استاد: نه، در روایات داریم -ولو مشهور عمل نکرده‌اند- که اگر بعد از ظهر ثابت شد بخور اما نمازت را فردا بخوان. پس در وجوب نماز برای یوم هم جهتِ اثباتی، جزء موضوع وجوب الصلات است. نه اینکه بگوییم همان روز اول شوال ثبوتا بین عالم و جاهل نماز عید واجب است. همان جا هم عرض من این است.

شاگرد: اگر کسی کلاً نفهمد و بعداً متوجه شود، قضا هم دارد؟

استاد: نه، چون شرط جماعت دارد. شبیه واجب های فوری است که قضا ندارد. شبیه زکات فطره است. زکات فطره قول دارد که واجب فوری ای است که بالقضاء است. این مانعی ندارد.

الحمدلله ربّ‌العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 12:40:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 12:41:49 توسط ... .